

## ریشه های تسلط اسلامگرایی در ترکیه

در آستانه حمله به عراق، کشور کلیدی ترکیه، نیازمند حکومتی بود که قبل از هر چیز با منافع و سیاستهای منطقه ای ایالات متحده آمریکا هماهنگی داشته و در پروسه اجرای آن نه تنها اخلاگری و دخالت بی مورد نکند بلکه همراه و همگام با آن عمل نماید! از طرف دیگر واز آنجا که خود کشور ترکیه و بخشی از خاک آن نیز موضوع و جزءای از “پروژه خاورمیانه بزرگ” بوده است تحولات درونی آن نیز می بایستی در چهارچوب و راستای این پروژه شکل گرفته و پیش می رفت. بنابراین شکل گیری یک نیروی سیاسی جدید و قبضه اهرمهای قدرت سیاسی در ترکیه به ضامن اجرای موفقیت آمیز استراتژی جدید آمریکا در منطقه تبدیل شده بود. این ضرورت را “بیل کلینتون” (رئیس جمهور وقت آمریکا) طی دیدار خود از ترکیه در سال ۱۹۹۹ در اینکه “ترکیه نقش کلیدی را در منطقه داراست” بیان کرده بود. معنای جمله فوق این بود که بدون اشتراک و رضایت ترکیه نه تنها موفقیت در اشغال عراق بلکه امکان تغییر نقشه عراق، بعنوان دومین گام اساسی (بعد از ایجاد مدارهای ۳۶ و ۳۲ درجه) خصوصاً ایجاد کردستان بزرگ و دست نشاندگی غیر ممکن می بود (1) این واقعیت را “جلال طلبانی” (رئیس جمهور کنونی عراق) و یکی از مهره های “پروژه خاورمیانه بزرگ” آمریکا اینگونه فورموله کرده بود که:

”اگر ترکیه بخواد کردستان تأسیس میشود و اگر نخواهد نمیشود. (2)

تبلیغات گسترده حزب جدیدالتأسیس عدالت و توسعه (AKP)، پخش بسته های مواد غذایی و زغال سنگ و ... در محلات فقیرنشین، از یک طرف و همچنین حمایت تبلیغاتی لشکری از کانالهای تلویزیونی و رادیویی، روزنامه ها و نشریات خریداری شده از طرف شرکتهای بزرگ مالی و بین المللی، معروف به “ساتیلیمیش مدیا” (رسانه های خود فروخته) از طرف دیگر از جمله عوامل مهم قدرت یابی ناگهانی “حزب عدالت و توسعه” و مطرح شدن رهبران سیاسی آن بود. از سوی دیگر فشار بحران اقتصادی (خصوصاً بعد از زلزله سال ۱۹۹۹ و سپس گسترش ابعاد تصنعی آن تا سال ۲۰۰۲) درخواست عمومی در جهت سروسامان دادن به نابسامانیهای اقتصادی و هم چنین نارضایتی عمومی از آلودگی برخی رهبران احزاب سیاسی سنتی به فساد مالی از جمله عواملی بود که در تضعیف احزاب مخالف و تقویت حزب عدالت و توسعه (AKP) بصورت مؤثر دخالت داشت.

در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۲ حزب عدالت و توسعه اکثریت آرای انتخاباتی را (۳۴٪) بخود اختصاص داد و این حزب با کسب ۳۶۲ کرسی اکثریت پارلمانی نیز بدست آورد. اما خود آقای اردوغان که بخاطر برخی نطقهای مذهبی خود روانه زندان شده بود (3) پس از خروج از زندان و با اینکه نتیجه انتخابات اعلام شده بود ناگهان با ابطال نتیجه انتخاباتی ناحیه “سییرت (Siirt)” (در جنوب شرقی ترکیه) از همان ناحیه به عنوان نماینده مجلس “انتخاب” و به پارلمان ترکیه راه یافت! این در حالی بود که اردوغان هم به علت داشتن سوء سابقه و هم به علت داشتن حکم منع فعالیت سیاسی (همچون نجم الدین اربکان) نه حق عهده دار شدن رهبری یک حزب سیاسی را داشت و نه، طبق قوانین انتخاباتی ترکیه، می توانست بعنوان نماینده به مجلس ترکیه راه یابد!؟ از آن گذشته بر علیه حزب او (AKP) نیز پروسه ای در دادگاه قانون اساسی (در رابطه با فعالیتهای مذهبی) جریان داشت که مسئله انتخاب وی را بیشتر از پیش پیچیده تر می نمود (4) ابطال نتیجه انتخاباتی ناحیه

“سیرت” و چگونگی نماینده گی اردوغان از آن ناحیه و سپس ارتقاء او به سمت نخست وزیری ترکیه (در ۱۴ مارس ۲۰۰۳) ابهاماتی بسیاری را با خود داشت که ابعاد گسترده آن هنوز نیز پس از گذشت نزدیک به ۱۰ سال بصورت کامل روشن نشده است (5)

لیکن نقطه قابل توجه و تعیین کننده در این پروسه نامه ای بود که طائب اردوغان درست یک روز پس از انتخابات ۳ نوامبر ۲۰۰۲ به “پل ولفویچ (Paul Wolfowitz)” معاون وزیر دفاع وقت امریکا (Donald Rumsfeld)، و یکی از سرسختترین طرفداران حمله به عراق، مینویسد بود. اردوغان در این نامه علناً از “ولفوویچ” برای نخست وزیر شدن خود طلب کمک می کند. نامه اردوغان به ولفویچ به قرار زیر است:

دکتر ولفوویچ عزیز!

برای ادامه شراکت و دوستی تاریخی کشور هایمان در آینده این نامه را توسط دوستان مشترکمان برایتان ارسال می دارم. نتایج انتخابات میتواند در میان صفوف فرماندهی (ارتش) مقداری ناراحتی بوجود آورده باشد، بدون شک از موضع گیری رسمی (آنها) اطلاع دارید. می خواهم شما نیز بدانید که من و حزب من نیز همچون آنها (فرماندهی ارتش) خواستار یک ترکیه معاصر، مرفه، سکولار و یک عضو قابل اعتماد جامعه جهانی هستیم. بنابراین معتقدم به اندازه ای که در گذشته هیچ سابقه نداشته است می توانیم در راه منافع کشور هایمان مشترکاً فعالیت کنیم. بدین منظور، و تا حدی که امکان دارد در کوتاهترین وقت ممکن، (از شما) خواستار یک دیدار محرمانه با ژنرال اوز کوک (Özkök) هستم. شماره تلفن موبایل شخصی من این است \*\*\*\*\*. از این کمک شما و همچنین نشان دادن دوستی نسبت به کشورم در گذشته خیلی متشکرم! برای دیدار شخصی با شما بی صبرانه منتظرم!

با احترامات صمیمانه رجب طائب اردوغان صدر AKP (6)

بعد از نوشتن این نامه بود که موانع پیش روی اردوغان یک به یک رفع و درها (با وجود سوء سابقه و منع فعالیت سیاسی) بروی او، برای نماینده گی مجلس و سپس نخست وزیری، باز می شود. از سوی دیگر فرمانده کل قوای ارتش “هیلمی اوز کوک” که برخلاف تمامی سنتهای معمول تاریخ ترکیه درست در روز انتخابات، برای رایزنی، راهی امریکا شده بود از واشینگتون پیروزی حزب اسلامی عدالت و توسعه (AKP) در انتخابات را تبریک و تهنیت می گوید! (7) اردوغان در ۶ نوامبر ۲۰۰۲ (یعنی چند روز بعد از نامه خود به ولفویچ) دو بار با “هیلمی اوز کوک” دیدار می کند. وی در عرض همان روز نیز توسط “احمد نجدت سزر” رئیس جمهور وقت ترکیه در کاخ ریاست جمهوری به حضور پذیرفته می شود. در این میان، دستهای پنهانی و در پشت درهای بسته و برای رفع موانع قانونی ورود اردوغان به مجلس، حتی دست به تعویض قانون اساسی ترکیه زده و سپس آنرا به تصویب مجلس و ریاست جمهوری می رسانند. پس از ورود اردوغان به مجلس (به عنوان نماینده از ناحیه سیرت) عبدالله گول از پست خود استعفا و بجای او اردوغان تشکیل کابینه می دهد. بدین ترتیب پیش بینی مقامات امنیتی امریکا در سال ۱۹۹۶ مبنی بر نخست وزیر شدن طائب اردوغان و وزیر امور خارجه شدن عبدالله گول ۷ سال بعد به یک واقعیت تلخ در صحنه سیاسی ترکیه تبدیل می شود. (8)

## رهبران حزب عدالت و توسعه و پروژه خاورمیانه بزرگ امریکا

بدین ترتیب بخش اصلی هدف یعنی ایجاد اراده سیاسی و کسب اکثریت پارلمانی توسط حزب و یا نیروئی که با اهداف و سیاستهای امریکا هماهنگی داشته باشد حل شده بود. ترکیه صاحب اقتداری شده بود که بر “طرح خاورمیانه بزرگ” ایالات متحده امریکا مهر تأیید گذارده و چراغ سبز برای قدم اول این طرح یعنی لشکرکشی به عراق را صادر کرده بود. گام اول این مهر تأیید و قولهای حواشی آن، پیشنهادی به شکل لایحه (Tezkere) (9) بود که حکومت حزب عدالت و توسعه (AKP) به مجلس ترکیه در اول ماه مارس سال ۲۰۰۳ ارائه داد (یعنی ۴ ماه بعد از کسب قدرت سیاسی توسط حزب عدالت و توسعه و چند هفته قبل از حمله امریکا و انگلیس به عراق). مضمون این لایحه که بعدها به “لایحه اول مارس” معروف شد همکاری همه جانبه ترکیه با امریکا، اجازه استفاده ارتش امریکا از خاک آن کشور در حمله به عراق و استقرار نیروهای امریکائی در خاک ترکیه بود.

اما لایحه فوق از سوی بسیاری از طیفهای سیاسی ترکیه مورد انتقاد و سوء ظن قرار گرفته بود. از جمله برخی از ژنرالهای برجسته ارتش از این لایحه به عنوان “پروژه اشغال” ترکیه یاد می کردند چرا که در صورت اجرای مفاد آن یک نیروی ۶۲,۰۰۰ نفری ارتش امریکا از بندر اسکندرون (در سواحل مدیترانه) تا استان حکاری (در مرز عراق) به فاصله ۶۰۰ کیلومتر و به عمق ۱۰۰ کیلومتر در خاک ترکیه مستقر می شد. به نظر این فرماندهان ارتش بیرون راندن این نیرو پس از پایان جنگ امری بسیار دشوار و یا غیر ممکن می نمود. (10) و جالب اینکه ارتش ایالات متحده امریکا در طی مذاکرات استقرار نیرو در ترکیه بیشتر مایل به حضور و استقرار نیرو در مناطقی بود که اقلیت کرد در آن مناطق بخش قابل توجهه ای از جمعیت را تشکیل می داد (11)

برخی از ناظران سیاسی و ارتشی نیز اهداف اصلی لایحه پیشنهادی و استقرار نظامی نیروهای ارتش امریکا در ترکیه را سیاستی به دعوت گروه اردوغان و فتح الله گولن برای خنثی کردن قدرت ارتش ترکیه در تقابل و مخالفت با اقتدار سیاسی حاکم و برنامه های آتی (داخلی و خارجی) آن ارزیابی کردند. این نظر از آن جهت قابل تأمل بوده و هست که حکومت اردوغان و حزب او فاقد حمایت ارتش، بوروکراسی و ارگانهای سنتی ترکیه بوده و اتکا آن بیشتر بر بخشی از سازمان اطلاعات و امنیت کشور (MIT) و خصوصاً دستگاه پلیس است که بخشهای بزرگی از هر دو بدست “فتح الله گولن” و یا بقول برخی نشریه ها “CIA” افتاده است. در کنار این عناصر پایه های اتکا حکومت AKP هم چنین بر سرمایه های کلان وارداتی به بازار بورس ترکیه (معروف به سیجاق پارا = پول گرم)، که عمدتاً تحت نظارت امریکا از طریق کشورهای عربی به ترکیه سرازیر می شود (12) ، و بعلاوه حمایت تشکیلاتها و طریقه های مذهبی گوناگون خصوصاً دستگاه عریض و طویل فتح الله گولن می باش. (13)

ارائه لایحه اول مارس ۲۰۰۳ قبل از هر چیز منجر به اختلاف و شکاف در درون خود حزب AKP شد. لیکن اردوغان برای اقتناع نمایندگان مخالف و جلوگیری از گسترش ابعاد نارضایتیهای درون حزبی به فوریت وارد میدان شد. او در گردهمائی نماینده گان مجلس حزب خود با تأکید بر اینکه “کسی نمی تواند علیه امریکا شاخ و شانه بکشد” اینگونه اظهار داشت:

”برای کسی که متأهل نیست طلاق دادن زن آسان است. عقلمندان را سرتان بیاورید. به بازیهای حزب جمهوری خواه (CHP) در نیائید. به ایران، لیبی و سودان نگاه کنید. نفت دارند و علیه امریکا سر بلند می کنند. چه شد؟ بعضی کشورها و دایره ها از ترکیه به عنوان رهبر عالم اسلام یاد می کنند. خودمان را قول نزنیم ” ۱۴.

موازی با اظهارات طائب اردوغان عبدالله گول نیز به نماینده گان مجلس از اینکه ”ممکن است (اصلاً) جنگ نشود ” گوشزد و از آنان می خواست که به لایحه اول مارس رأی مثبت داده شود. او در ادامه سخنان خود پا را فراتر گذاشته و اظهار داشت که:

... ”دیگر منافع ملی ما ایجاب میکند که با متفق و شریک استراتژیک مان ، ایالات متحده امریکا، مشترکاً حرکت کنیم

(15)

لیکن با ارائه لایحه اول مارس به مجلس تمام رشته های حکومت اردوغان و عبدالله گول پنبه شد چرا که علاوه بر مخالفت بسیاری از روشنفکران ، بخشی از فرماندهان ارتش و نمایندگان احزاب مخالف، حتی بسیاری از نماینده گان حزب خود اردوغان نیز بدان رأی منفی دادند. (16)

نمایندگان مخالف لایحه حاضر نبودند همراه با یک کشور مسیحی که رهبران ”جرج بوش” شعار ”جنگ صلیبی” در حمله به عراق می داد علیه یک کشور مسلمان و همسایه موضع خصمانه اتخاذ کنند. بسیاری از آنان بر این نکته تأکید داشتند که روزی امریکا منطقه را ترک خواهد کرد ولی ملت تُرک محکوم به زندگی با همسایگان خود است. (17)

در این رابطه ”ابراهیم اوزدوغان (Ibrahim Özdoğan) ”، نماینده سابق حزب عدالت و توسعه (از ارضروم)، اخیراً چگونگی رأی گیری حزب عدالت و توسعه در مورد لایحه اول مارس ۲۰۰۳ را اینگونه شرح داده است:

”گروه نماینده گی حزب ما ۲ ساعت قبل از رأی گیری عمومی در مجلس یک جلسه حزبی پشت درهای بسته تشکیل داد . اردوغان نماینده گان حزب را در مورد دادن رأی مثبت به لایحه فوق زیر فشار گذارد. او تأکید می کرد که در ازاء تصویب این لایحه ما یک میلیارد دلار پول نقد و یا ۶ میلیارد دلار اعتبار (کردیت) از امریکا دریافت خواهیم کرد. این امر مورد مخالفت بسیاری از نماینده گان حزب واقع شد که می گفتند مملکت را نمی توان بخاطر پول فروخت. اما فشارهای اردوغان باعث شد لایحه فوق در رأی گیری درون حزبی (نمایندگان مجلس) رأی لازم را بدست آورده و تصویب شود. لیکن هنگامی که ۲ ساعت بعد رأی گیری عمومی در صحن مجلس ملی برگزار شد نماینده گان حزب ما به وجدان و وطن پرستی خود مراجعه کرده و به لایحه اول مارس ۲۰۰۳ رأی منفی دادند. (18)

عدم تصویب لایحه اول مارس از مجلس ترکیه (19) موج نارضایتی مقامات سیاسی و نظامی امریکائی را فراهم آورد بطوریکه یک ژنرال امریکائی بعد از عدم تصویب قطعنامه اول مارس نارضایتی خود را همراه با تهدیدی آشکار اینگونه ابراز داشت که: حزب عدالت و توسعه یک فرصت طلایی را از دست داد و حاکمیت مطلق خود را ۱۰-۱۵ سال به عقب انداخت ” بدنبال همین نارضایتی ها ، فشارها و تماسهای پشت پرده بود که اردوغان و عبدالله گول چند هفته بعد و درست در

آستانه حمله آمریکا به عراق لایحه دیگری در ۱۹ مارس ۲۰۰۳ به مجلس ارائه دادند. اردوغان برای گذراندن این لایحه از مجلس تا بدانجا پیش رفت که حتی به تهدید نمایندگان حزب خود دست زده و از اینکه آنها موفق به "دریافت حقوق ماهیانه خود" (در صورت رد لایحه) بشوند ابراز تردید کرد (20) محتوای این لایحه جدید در رابطه با گشودن بنادر و فرودگاههای ترکیه بروی "کمکهای بشر دوستانه" آمریکا به عراق بود! در سایه این لایحه بود که کشتی های جنگی آمریکا در مدیترانه مایحتاج و مهمات جنگی ارتش آمریکا را به عراق منتقل کرده و بارها اجازه عملیات بمباران عراق، از پایگاه هوایی آمریکا در "اینجیرلیک (Incirlik)"، را دریافت کردند. (21)



بدین ترتیب شکل اخته شده لایحه اول مارس بجای اینکه از در وارد شود از پنجره وارد مجلس شد و آنچه خواست ایالات متحده آمریکا از ترکیه بود توسط اکیپ اردوغان به شکلی دیگر، ولی با ابعادی بسیار محدودتر و خفیف تر، به جا آورده شد. لیکن این تنها موردی نبود که حکومت اردوغان به خواستهای یک دولت خارجی بر خلاف منافع حیاتی ترکیه لبیک گفته و مهر تأیید می زد. عملکردهای بعدی دولت AKP و اظهارات مکرر شخص رجب طائب اردوغان و عبدالله گول نشان از همکاریهای بسیار عمیق تر و پیچیده تری با پروژه های ایالات متحده آمریکا در منطقه داشت که هر ناظر سیاسی را به تمرکز بر ابعاد آن وادار می کرد.

در این رابطه اعترافات مکرر اردوغان در ارتباط با "پروژه خاورمیانه بزرگ" آمریکا و مأموریتی که وی در مسیر پیاده کردن آن متقبل شده است قابل ذکر و تأمل است. (22) مثلاً اردوغان در یک نطق طولانی در گنجره حزبی ناحیه "بایرام پاشا" در استانبول در رابطه با مأموریتی که امریکائی ها به او محول کرده اند، و درحالی که میکروفن بدست داشته و مرتب چپ و راست میرفت، اینگونه ابراز می دارد:

"ترکیه در خاورمیانه یک مأموریت (وظیفه) دارد! این مأموریت چیست؟ ما یکی از همصدرهای پروژه گسترش یافته خاورمیانه بزرگ و آفریکای شمالی (آمریکا) بوده و هم اکنون این مأموریت را انجام می دهیم!" (23)

اینکه نخست وزیر یک کشور خود را مأمور و یا مؤظف به اجرای پروژه های یک دولت خارجی معرفی کند موضوعی است که در حله اول باید توسط دستگاه قضائی و پلیس امنیتی آن کشور پی گیری شود! اما اینکه وی کدام پیام را در رابطه با همکاریهای ارگانیک اکیپ خود با مقامات امنیتی آمریکا به ملت ترک و مسلمانان منطقه می داد باید مورد تأمل و توجه قرار گیرد. اظهارات مکرر اردوغان در رابطه با "پروژه خاورمیانه بزرگ" و اینکه وی تصمیم دارد "در چهارچوب این پروژه "نیار بکیر" را به ستاره و مرکز (پایتخت) تبدیل کند. (24) بارها و در مناسبتهای مختلف به زبان آورده شد. اظهارات اردوغان در عین حال باعث شد تا محتوای آنها در اعلام جرمی که علیه وی در دادگاه قانون اساسی ترکیه اقامه شده بود نیز جای بگیرد. لیکن قابل ذکر است که اردوغان هم بصورت کتبی (در دفاعیه کتبی خود به دادگاه قانون اساسی) و

هم شفاهاً (در مصاحبه های رسانه ای) هرگونه تقبّل مأموریت همصدری پروژه های یک دولت خارجی (امریکا) را منکر شده است؟! او در این انکار تا بدانجا پیش رفت که طی مصاحبه ای (و در اثر سماجت و اصرار خبرنگاران) مدعیان مطالب فوق را با الفاظ مختص خود مورد خطاب قرار داده و گوشزد کرد که:

”یک کاغذی دستشان گرفته و با خود می گردانند که این (اظهارات اردوغان در مورد تقبّل مأموریت امریکا) یک پروژه امریکاست. اگر این را اثبات کنند من برای همه چیز هستم. اما اگر نتوانند ثابت کنند پست و بی شرف هستند. اینقدر آشکار و اینقدر سنگین سخن می گویم. (25)

لیکن آقای اردوغان “فراموش” کرده بود که وی دهها جای دیگر تقبّل مأموریت پروژه امریکا را با سخنان و مصاحبه های خود شخصاً به گردن گرفته و جای پاهایی از خود بجای گذاشته است که پاک کردن آنها از محالات می باشد. یکی از رسمی ترین اظهارات او در رابطه با تقبّل مأموریت پروژه های امریکا سالها بعد و در نطق او از کرسی گردهم آئی نمایندگان پارلمانی AKP در مجلس ملی ترکیه بود. اردوغان در آنجا با صراحت تمام اینگونه می گوید:

... “یک چیزی بگویم. در ترکیه مدام چیزهایی زمزمه می شود مبنی بر اینکه نخست وزیر جمهوری ترکیه همصدر پروژه خاورمیانه بزرگ (امریکا) می باشد و (باید) از آنجا کنار برود. می خواهم در این مورد توضیح دهم. دوستان عزیز اهداف پروژه خاورمیانه بزرگ (BOB) روشن است و وظایفی که ترکیه در داخل آن اهداف متقبل شده است نیز روشن است. پروژه خاورمیانه بزرگ برای صلح خاورمیانه ایجاد شده است و در کنار آن برای توسعه اقتصادی، آزادی و تأمین حقوق زنان، آزادی تحصیل و ارتقاء آن بوجود آمده است و قدمی برداشته شده در این جهت است. در این رابطه به ترکیه نیز مأموریتی (وظیفه ای) داده شد و ما نیز این مأموریت را متقبل شدیم. (26)

در همین رابطه عبدالله گول نیز همراه با اردوغان بکرات اظهارات متعددی داشته است. مثلاً او هنگام عهده دار بودن پست وزارت امور خارجه و در برفینگ وکلای مجلس حزب عدالت و توسعه اینگونه می گوید:

”تر چهارچوب طرح خاورمیانه بزرگ ما با امریکا مشترکاً حرکت می کنیم. و سپس ادامه می دهد که ” طرح خاورمیانه بزرگ امریکا با سیاست خارجی ترکیه و اهداف آن مطابقت دارد. (27)

لیکن نقطه کلیدی در اظهارات مکرر رهبران حزب عدالت و توسعه و هم چنین تأکید آنها بر نقش خود در اجرا و پیاده کردن این پروژه بین المللی حاکی از وجود توافقات پشت پرده و قولهای بود که بصورت پنهانی به مقامات امریکائی داده شده بود و تلاش در جهت گذراندن لایحه اول مارس از مجلس ترکیه نیز تنها مقدمه طرح عملیاتی این پروژه در ترکیه و منطقه می بود. بدین جهت دیری نپائید که نه تنها وجود این قولها و توافقات پشت پرده به اثبات رسید بلکه مفاد آن نیز از درون خود اکیپ اردوغان به بیرون درز کرد. در همین رابطه وزیر امور خارجه وقت ترکیه عبدالله گول (رئیس جمهور کنونی) در یک مصاحبه با “سdat سرت اوغلی (Sedat Sertoğlu)” روزنامه نگار روزنامه “وطن” به صراحت از امضاء یک

توافقنامه سَرّی ۲ صفحه ای و ۹ ماده ای با “کولین پاول (Colin Powell)” وزیر امور خارجه وقت امریکا پرده برمی دارد. وی در آن مصاحبه به خبرنگار مذکور اینگونه می گوید:

“من قبیل از مسافرت‌هایم، روی این مُبلی که شما اکنون نشسته اید (دستش را روی مُبلی می زند)، وزیر امور خارجه امریکا پاول (Powell) نشسته بود و من با او در مورد یک توافقنامه ۲ صفحه و ۹ ماده ای توافق کردیم. اما من هر چه را که انجام می دهم نمی توانم افشاء کنم ... پاول در حالی که عازم سوریه بود با من دیدار و گفتگو کرد. یک سری تحولات پنهانی در راه اس. (28)



هر چند عبدالله گول در آن مصاحبه از افشاء مضمون توافقنامه سَرّی فوق امتناء ورزیده بود اما دیری نپائید که مفاد و مضمون آن موافقتنامه به بیرون درز کرد. نقطه قابل تأمل در این رابطه این واقعیت اساسی بود که توافقنامه سَرّی ذکر شده نه به اطلاع اعضای کابینه حکومت وقت و نه به اطلاع مجلس ملی ترکیه رسانده شده بود و بنابراین یک توافقنامه دو جانبه شخصی و فاقد هرگونه پایه های حقوقی می بود. لیکن بصورت جدّی کلیه بندهای آن در ۹ سال اخیر در حال پیاده شدن توسط حکومت عدالت و توسعه در ترکیه بوده است. مفاد این موافقت نامه سَرّی ۹ ماده ای و مضمون آن که بارها در رسانه های گروهی ترکیه انتشار یافته (ولی هرگز از سوی مقامات حکومت حزب عدالت و توسعه و یا خود عبدالله گول تکذیب نشده) به طور خلاصه و نقل به مضمون بشرح زیر است:

۱. ارتش ترکیه باید از شمال عراق خارج شده و به عملیات مرزی پایان دهد. ۲. ارتش ترکیه نباید بر علیه PKK دست به عملیات نظامی بزند و در صورت نیاز باید از ایالات متحده امریکا کسب اجازه کند. در غیر این صورت تحریمات نظامی گسترده و تنبیهات لازم علیه ترکیه اعمال خواهد شد و حتی در صورت نیاز این امر به بهانه نسل کشی به ارگانهای بین المللی ارجاع داده خواهد شد. ۳. ترکیه باید از عملیات نظامی آینده امریکا در خاورمیانه حمایت و در حمله علیه ایران به امریکا کمک فعالانه (بلحاظ تجهیزات و نفرات) کند. ۴. ترکیه باید دولتی را که در آینده در شمال عراق (حکومت بارزانی - طالبانی) ایجاد خواهد شد برسمیت بشناسد. ۵. حزب PKK باید قانونی اعلام شده و به اعضای آن عفو عمومی داده شود و بعد از اعطای خود مختاری به شهرداریهای مناطق جنوب شرقی سیستم قدراللیسم در ترکیه اعلام شود. ۶. توان نظامی ارتش ترکیه باید تحلیل داده شده و از وسعت، تعداد نفرات و میزان سلاح آن کاسته شود. ۷. خنگناش (رئیس جمهور سابق جمهوری ترک نشین قبرس) باید از صحنه خارج شده و “طرح صلح کوفی عنان” در مورد قبرس پذیرفته شود. ۸. تمامی تحریمات و محدودیتهای ایجاد شده علیه ارمنستان باید برچیده شده و نسبت به خواستههای یونان در دریای اژه با نرمش برخورد شود. ۹. ترکمنهایی که در کرکوک، سلیمانیه و اربیل زندگی می کنند به مناطق دیگر عراق رانده خواهند شد و ترکیه نباید اعتراض کند. (29)

چهار چوب توافقنامه سرّی بالا در واقع مانیفست و برنامه عملیات مشترک حکومت ، حزب اسلامی عدالت و توسعه (AKP) و امریکا در ترکیه و منطقه می باشد که با سماجت و پشتکاری تمام طی ۹ سال اخیر در حال اجرا و پیاده شدن بوده است. مفاد این توافقنامه سرّی که در دوم ماه آپریل سال ۲۰۰۳ به امضاء رسیده است بروشنی نشان می دهد که رئوس و پاشنه اصلی آن بر پایه منافع استراتژیک امریکا (پیاده کردن پروژه گسترش یافته خاورمیانه بزرگ) می چرخد. تمرکز اصلی بر نقش PKK و گروه های شمال عراق و عنصر تهدید ارتش ترکیه در بهم زدن معادلات امریکا در این موافقتنامه نیز نشان از اهمیت آن برای سیاست های امریکاست در منطقه است(نگاه کنید به نقشه وزارت دفاع امریکا در بخش اول این نوشته). هم اکنون بسیاری از بندهای توافقنامه سرّی فوق توسط حکومت اردوغان جامه عمل پوشیده است و مابقی نیز در حال اجرا و یا در حال "قابل هضم کردن" آن برای مردم ترکیه است. در همین رابطه واحد های کوچک ارتش ترکیه (مستقر شده در نوار مرزی) شمال عراق را ترک کرده و حتی واحدهای اطلاعاتی نیز در آنجا حضور ندارند. از سوی دیگر تمامی تحرکات ارتش ترکیه علیه PKK ابتدا از طرف فرماندهی منطقه ای نیروهای امریکا تأیید و در صورت صلاح دید آنها اجازه انجام عملیات نظامی به حکومت ترکیه داده می شود.(30)



شهرداریهای مناطق جنوب شرقی ترکیه (بیشتر کُرد نشین) نه تنها به کمک حکومت اردوغان که با سرآزیر شدن میلیونها یورو کمکهای مالی اتحادیه اروپا بشدت تقویت شده اند و نماینده گان مناطق فوق ۲۷ نماینده که بیشتر آنان بازوی سیاسی PKK بوده اند به مجلس راه یافته اند. (31) تعداد این نماینده گان در انتخابات اخیر ترکیه (۱۲ جون ۲۰۱۱) به ۳۶ کرسی افزایش یافت. این امر در واقع راهگشای سیاسی شدن PKK و عفو عبدالله اوچالان نیز هست که بدنبال ایجاد "دادگاه های با اختیارات ویژه" در سالهای اخیر (که جایگزین دادگاههای نظامی سابق شده) از طرف حکومت دنبال می شود. خود اردوغان نیز بارها از PKK خواسته است که "سلاح ها را زمین بگذارید و به مجلس بیایید."

ایجاد دادگاههای با اختیارات ویژه ،خصوصاً در مرزهای جنوب شرقی ترکیه ، و پذیرش تروریستهای سابق از خاک عراق با محاکمه های چند دقیقه ای و سر پائی با اعلام طرح "کورد آچلمی" (گشایش کُرد) منجر به نفوذ و سازمانیابی مستقیم این عناصر در سیستم اداری و شهرداریها مناطق جنوب شرقی ترکیه شده است. (32) از سوی دیگر طرح "ارمنی آچلمی" (گشایش ارمنی)، که به شکستی سیاسی برای اردوغان و AKP تبدیل شد، باعث تیره گی روابط با جمهوری آذربایجان گردید. افشای مذاکرات سرّی حکومت حزب AKP با مقامات دانشناکهای جمهوری ارمنستان (تحت فشار امریکا و اروپا) حتی منجر به استنفای "علی بابا جان (Ali Babacan) "وزیر امور خارجه ترکیه نیز گردید. (33)





در مورد قبرس که از آن به عنوان مبارزه ملی یاد می شود “رائف دنگتاش (Rauf Denktaş) ”با صحنه سازی و شانناژ و بکارگیری رسانه های گروهی از سر راه برداشته شده . (34) و “طرح صلح کوفی عنان” به مردم قبرس تحمیل شد. (35) همچنین در رابطه با دریای اژه (EG) نیز حکومت اردوغان عملاً در مورد تلاشها و مطالبات روز افزون یونان دست به عقب نشینی گسترده زده است. ابعاد این عقب نشینی تا بدانجا پیش رفته است که در خفا ۳ جزیره ترکیه به یونان واگذار و ورود اتباع ترکیه بدانها منوط به کسب ویزا از دولت یونان و عدم حضور بیش از ۱۸ ساعت در آن جزایر شده است. در همین رابطه شروع عملیات اکتشاف نفت و گاز در سواحل ترکیه و جمهوری ترک نشین قبرس از سال ۲۰۰۶ توسط یونان و اسرائیل (و یک شرکت امریکائی) آغاز و دولت اردوغان طی این سالها هیچگونه عکس العملی در قبال آن نشان نداده است. (36)

در مورد به رسمیت شناختن حکومت شمال عراق اردوغان در بهار سال ۲۰۱۱ به همراه یک هیئت دویست نفره از تجار و سرمایه داران ترکیه سفر رسمی به عراق و شمال عراق داشت و با بارزانی و طالبانی دیدار کرد که همین امر از طرف برخی از ناظران سیاسی در عمل و یا بطور ضمنی به معنی به رسمیت شناختن دولت بارزانی – طالبانی تلقی شد. (37) اردوغان در دیدار خود همچنین دهها قرارداد اقتصادی با رهبران عشیره بارزانی و طالبانی منعقد کرد که پرچرب ترین آنها نصیب شرکت متعلق به داماد اردوغان (Çalik Holding) شد. (38)

در مورد ارتش ترکیه نیز یک پروژه کامل بنام “ارگنه کن” و سپس “بالپوز. (39) تدارک دیده شد که توافق عملیاتی کردن آن طی دیدار اردوغان و جرج بوش در سال ۲۰۰۷ صورت گرفته بود. (40) تلاشهای زیادی نیز برای تبدیل ارتش ترکیه به یک ارتش حرفه ای و حذف سیستم نظام وظیفه و کاهش وسعت و سلاح آن هم اکنون در جریان است. (41)

در رابطه با پیاده کردن و اجرای همین قولها و توافقات مخفی بود که “نیکولاس برنز (Nicholas Burns) ”سخنگوی سابق کاخ سفید طی دیدار خود از ترکیه در ماه اکتبر سال ۲۰۰۷ در جواب این سؤال خبرنگاران که نظرتان راجع به آقایان اردوغان و عبدالله گول چیست؟ اظهار داشت که:

“آدمهای خوبی هستند و قولهایی را که به ما داده بودند بجا آوردند.”

آقای اردوغان و عبدالله گول تاکنون از جواب به سئولات مخالفین خود در مورد اینکه چه قولهایی به ایالات متحده امریکا داده اند تفره رفته و سکوت اختیار کرده اند! ولی بر کسی پوشیده نیست که قولهای داده شده همان توافقنامه سرّی ۹ ماده ای می باشد که عبدالله گول در تأیید مصاحبه مطبوعاتی خود بسال ۲۰۰۳ تا کنون وجود آنرا تکذیب نکرده است.

1- تاکتیک ایجاد مدارهای حفاظت شده در عراق در حمله به لیبی نیز با ایجاد "منطقه پرواز ممنوع" بکار گرفته شد. هم اکنون دلائلی مبنی بر تدارک و بکارگیری همین شیوه در مرز سوریه و ترکیه نیز موجود است.

2- کانال NTV 24 جون ۲۰۰۳

3- جریان زندانی شدن اردوغان بخاطر نطق مذهبی توسط برخی از ناظران سیاسی در ترکیه به دستهای پشت پرده نسبت داده می شود که هدف آن مظلوم نشان دادن و مشهور کردن وی در آستانه انتخابات سال ۲۰۰۲، در جهت کسب آرای بیشتر برای حزب او، تدارک دیده شده بود. اردوغان در سال ۱۹۹۷ در یکی از نطق های خود غیر مستقیم به تهدید لائیسیم و رژیم جمهوری در ترکیه پرداخته و گفته بود که: "مناره ها سرنیزه های ما، مساجد پادگانهای ما و مؤمنین سربازان ما هستند". همین مسئله موجب صدور ۱۰ ماه زندان برای اردوغان توسط دادگاه گردید لیکن وی بعد از گذشت ۴ ماه آزاد گردید.

4- در آن زمان علاوه بر رسیده گی به فعالیتهای مذهبی حزب عدالت و توسعه، بر علیه اردوغان و عبدالله گول، در رابطه با سوء استفاده های مالی آنها، نیز پرونده های مختلفی در دادگاههای جزائی ترکیه تحت بررسی بود. اردوغان در سالهای آخر دهه ۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ به اتهام اختلاس و سوء استفاده چند میلیون دلاری (هنگام عهده دار بودن شهرداری استانبول) و عبدالله گول به جرم ارائه اسناد صادرات تقلبی (نایلون فاتورا) همراه گروهی از سران حزب رفاه متهم درجه یک بوده و پرونده آنان در دست رسیده گی بود. لیکن بعد از نخست وزیر شدن اردوغان، و با اعمال نفوذ، پرونده جرائم مالی او بسته شد و حکم برائت برای وی صادر گردید. عبدالله گول نیز با اینکه همکاران سابق وی (از جمله نجم الدین اربکان) به جرم ارائه فاکتورهای جعلی به زندان و پرداخت جریمه محکوم شدند ولی خود وی بعلت داشتن مصونیت سیاسی از هرگونه محکومیت قانونی برکنار ماند. اردوغان طی عهده دار بودن شهرداری استانبول به یک میلیارد (دلاری) به معنای اخص کلمه تبدیل شده بود. چند سال پیش یکی از روزنامه نگاران مشهور ترکیه، "تونجای اوزکان (Tuncay Ökan)"، که داشتن یک میلیارد دلار پول نقد اردوغان (تنها در بانکهای ترکیه) را افشاء کرد به جرم دست داشتن در "کودتا" و عضویت در "ارگنه کن" دستگیر و روانه زندان شد. اردوغان در رابطه با این افشاکاری و برای عبرت و زهر چشم گرفتن از سایر خبرنگاران طی نطقی اینگونه اظهار داشت "نویسنده ای که می گفت اردوغان یک میلیارد دلار پول دارد اکنون از دعوی ارگنه کن در (زندان) "سیریولی" خوابیده است". نگاه کنید به Gazete5, 10 dec. 2010، در حال حاضر ثروت اردوغان با ارقام نجومی تخمین زده می شود بطوریکه وی در سال ۲۰۰۹ از طرف یک مؤسسه بین المللی به عنوان هشتمین رهبر ثروتمند سیاسی جهان (بعد از پادشاه عربستان سعودی، امیر کویت، سلطان قطر و ...) معرفی شد. نقطه جالب در رابطه با گزینش اردوغان بعنوان هشتمین رهبر ثروتمند سیاسی جهان این بود که در عرض یک هفته، و با دخالت مستقیم حکومت اردوغان، خبر انتصاب فوق از بیشتر سایتهای اینترنتی پاک شد!؟ از آن گذشته اسناد "ویکی لیکس" حاکی از آن بوده است که طائب اردوغان میلیونها دلار در جریان خصوصی سازیهای صنایع و شرکتهای دولتی ترکیه رشوه دریافت کرده است. همین اسناد به داشتن ۸ حساب بانکی مخفی اردوغان در بانکهای سوئیس نیز اشاره داشته است. لیکن اخبار فوق با کمال تعجب از سوی

بسیاری از رسانه‌ها سانسور و از متون اصلی اسناد ویکی لیکس حذف شده‌اند؟! قابل ذکر است که بسیاری از رسانه‌ها و خبرنگاران از ترس زندانی شدن به اتهام “کودتا” و داشتن ارتباط با “ارگنه کن” و یا دریافت جریمه‌های مالیاتی نجومی به میل خود محتوای اسناد فوق را سانسور میکنند. یکی از نادر کانالهای تلویزیونی Ulusal kanal که اسناد “ویکلی لیکس” را بدون سانسور انتشار داد بلافاصله از طرف حکومت اردوغان به اتهام “نشر اکازیب” به ۲۸۶۰۰۰ یورو جریمه نقدی محکوم شد. (برای دیدن اسناد ویکی لیکس در این رابطه نگاه کنید به Haber Dukkani 10 dec. 2010 :

در رابطه با جرائم مالی رهبران حزب عدالت و توسعه یکی از مهمترین موردها مربوط به کلاه برداری معروف به “دنیز فنی” (فانوس دریائی) است. این کلاهبرداری در کشور آلمان به بزرگترین کلاهبرداری قرن اخیر آلمان معروف شده است. جریان “دنیز فنی” بطور بسیار خلاصه از این قرار است که جریان‌ات مذهبی که نامهای کلیدی آن از اعضای حزب اسلامی عدالت و توسعه بوده و تعدادی از آنها نیز هم اکنون عهده دار پُستهای حکومتی هستند طی اواخر دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ از طریق یک “انجمن خیریه” در آلمان (دنیز فنی) به بهانه کمک به مستمندان اقدام به جمع آوری پول می‌کنند. اما هنگامی که پولهای حواله شده به ارقام درشت می‌رسد سوء استفاده‌های زیادی از آن صورت می‌گیرد. مقداری از این سوء استفاده‌ها مربوط به بکارگیری ۱۸ میلیون یورو از این پولها در تبلیغات برای پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی ترکیه (از جمله با افتتاح کانال تلویزیونی ۷ ترکیه که گفته می‌شود تمام سرمایه آن از طریق این سوء استفاده تأمین شده است) و ایجاد و یا کمک به چندین شرکت تجاری در ترکیه (وابسته به حزب حاکم) بوده است. مقداری دیگری نیز مربوط به اختلاس می‌شود که صرف خرید ویلاهای لوکس در اروپا و ترکیه شده است. لازم به توضیح است که در این رابطه چندین نفر در آلمان دستگیر شده و به دهها سال زندان محکوم شده‌اند. اما مهمترین جنبه این واقعه متهم شدن اعضای حکومت AKP در دست داشتن در این اختلاس‌ها توسط دادگاههای آلمانی بود. حکومت AKP تا کنون با ماست مالی کردن و یا ایجاد موانع متعدد از بررسی ابعاد این کلاهبرداری در دادگاههای ترکیه جلوگیری کرده است. از جمله متهمان این کلاهبرداری خود اردوغان، مدیر سابق کانال ۷ (زکریا کارامان)، رئیس سابق رادیو تلویزیون ترکیه (زاهید آکمان)، اسماعیل کاراهان، مصطفی چیلک و ... بوده‌اند.

5- برای کسب اطلاعات بیشتر در این مورد مراجعه کنید

به <http://www.milliyet.com.tr/2003/02/07/siyaset/asiy.html> :

6- این نامه برای اولین بار در روزنامه “Star” به تاریخ “۱۷ ژانویه سال ۲۰۰۴ انتشار یافت و متن آن تا به امروز از طرف اردوغان تکذیب نشده است.

7- پروفیسور “یالچین کوچوک” یکی از علل حمایت ژنرال “هیملی اوزکوک” از حزب عدالت و توسعه را، علاوه بر مواضع “نرم” او در مقابل جریان‌ات مذهبی و طرفداری وی از بلوک کشورهای غربی، گرفتن قول رسیدن به مقام ریاست جمهوری ترکیه عنوان کرده است. نگاه کنید به مصاحبه “مردان یانارداغ” با “یالچین کوچوک Günsel Meydan 26”.

ژانویه ۲۰۰۹

8- گراهام فولر بعد از پیروزی اردوغان مطالبی در مورد "پیروزی دموکراسی" در ترکیه اظهار داشته بود. او چند سال نیز پیش کتابی بنام "ترکیه نوین" به رشته تحریر در آورده است که در آن ۲۰ سال آینده ترکیه و ترکیه ای که امریکا خواهان آن است ترسیم شده است. پیغام اصلی این کتاب بر مخالفت با "کمالیسم" و بازوی مسلح آن ارتش ترکیه قرار دارد که به عنوان موانع جدی در سر راه تحقق "دموکراسی در ترکیه" و منطقه قلمداد شده است.

9- کلمه "Tezkere" در ترکی نزدیک و یا بیشتر به معنی "تذکره" (در انگلیسی (Memorandum است. اما من برای سهولت و ساده گی در فهم از کلمه "لایحه" استفاده خواهم کرد که معنی دقیق کلمه نیست.

10- یکی از مهمترین موارد مورد اختلاف در مذاکرات با امریکا بر سر استقرار نیرو در ترکیه این بود که ارتش ترکیه با قراردادن واحدهای نظامی خود تحت فرماندهی نیروهای امریکائی شدیداً مخالفت می کرد. هم چنین ارتش خواستار تعهد کتبی مقامات امریکا مبنی بر خارج کردن نیروهای خود از ترکیه و شمال عراق (بعد از اتمام سرنوشتی حکومت صدام حسین) بود. در این مورد مراجعه کنید به مقالات خبرنگار و مفسر سیاسی روزنامه ملیت فیکرت بیلا :

<http://www.milliyet.com.tr/2003/02/10/yazar/bila.html>

<http://www.milliyet.com.tr/2003/02/09/yazar/bila.html> و

[11] این لایحه همچنین شامل استقرار ۲۵۵ هواپیما و ۶۵ هلی کوپتر جنگی امریکا در خاک ترکیه نیز می شد. اما نقطه جالب در متن پیشنهادی توافقنامه بین دو کشور در این رابطه عدم بکار گیری حتی یک کلمه در مورد عراق بود. با این وصف ایالات متحده امریکا می توانست از نیروهای مستقر خود در ترکیه بر علیه هر کشوری که می خواست (از جمله سوریه ، ایران و ... ) نیز استفاده کند.

۱۲ - طبق نظر "حالوک دورال (Haluk Dural)"، رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک ترکیه در استانبول، سرمایه های وارداتی (که مقدار آن حدود ۱۱۰ میلیارد دلار تخمین زده می شود) عمدتاً پولهای است که بیشتر از قاچاق اسلحه و ترافیک مواد مخدر از عراق (منطقه تحت کنترل بارزانی و طالبانی) ، افغانستان، کشورهای عربی، ایران، ارمنستان و قبرس برای پولشویی وارد ترکیه می شود. این پولشویی ها عمدتاً تحت کنترل و نظارت مستقیم سرویسهای امنیتی کشورهای اروپائی و امریکا وارد ترکیه شده لیکن مقدار عمده آن دوباره و پس از پولشویی از ترکیه خارج و به مقصد اصلی خود یعنی اروپا و امریکا سرازیر میشود. مقدار پول باقی مانده در ترکیه نیز در واقع همان کلید استقرار اقتصادی ترکیه و جبران کسر تعادل بازرگانی (حدوداً ۸۰ میلیارد دلار) ، پرداخت به موقع بهره های قروض نجومی ترکیه (حدوداً ۶۰۰ میلیارد دلار) و گارانتی تداوم حکومت حزب عدالت و توسعه می باشد. جالب است که یکی از اولین اقدامات اردوغان بعد از تشکیل حکومت در ترکیه لغو قانون "از کجا آوردی" بود! همچنین حکومت او قانونی از مجلس گذاراند که مقامات قضائی ترکیه را از حق پی گیری منشاء دارائی و شناسائی وارد کننده های سرمایه به ترکیه را منع می کرد. به همین منظور نیز اردوغان "مسلمان" در یک نطق در آن ایام اظهار داشته بود که "سرمایه دین و ملیت ندارد و از هر کجا بیاید خوش آمده است. اگر این سرمایه (حتی یهودی نیز باشد ما آنرا روی چشممان می گذاریم روی سرمان می گذاریم".

۱۳ - چند سال پیش جریان مذهبی "فتح الله گولن" در صدد احداث کانال تلویزیونی "سامان یولی" در جمهوری آذربایجان نیز بود که با دخالت دولت آذربایجان و شخص الهام علیوف بساط آن برچیده شد. لیکن نفوذ تدریجی این فرقه در آذربایجان و جمهوریهای ترک زبان آسیای میانه، تاجیکستان، چین و روسیه قابل تأمل است. هم اکنون سه نیروی مذهبی، وهابی های عربستان، عوامل ایران و جریان فتح الله گولن در حال رقابت در آن مناطق هستند.

۱۴ - Güncel, Milliyet.Com.tr 2003.02.07

[15] - همانجا

۱۶ - جالب است که تقریباً تمامی نماینده گان پارلمانی حزب عدالت و توسعه (AKP) که به لایحه اول مارس ۲۰۰۳ رأی منفی داده بودند (حدود ۹۹ نماینده) و هم چنین نزدیک به نصف سایر نمایندگان حزب در انتخابات سال ۲۰۰۷ توسط طائیب اردوغان از حزب AKP بکلی تصفیه شدند.

۱۷ - لایحه فوق با ۲۶۴ رأی قبول، ۲۵۰ رأی رد و ۱۹ رأی ممتنع (۵۳۳ شرکت کننده) از مجلس نگذشت چرا که آرای قبول به حد نصاب لازم نرسیده بود.

۱۸ - ابراهیم اوزدوغان (Ibrahim Özdoğan) "مصاحبه تلویزیونی به تاریخ ۷ جولای ۲۰۱۱"

۱۹ - ایالات متحده آمریکا و متحدینش مجبور شدند از جنوب عراق و خلیج بصره به آن کشور حمله کنند. شمال عراق نیز بدست متحدان اصلی و منطقه ای آمریکا و اسرائیل یعنی رهبران عشیره بارزانی و طالبانی و پیشمرگه های آنان افتاد که در طی بیش از چندین دهه حمایت مستقیم و همه جانبه آنها را داشتند.

۲۰ - مصاحبه تلویزیونی نماینده سابق حزب عدالت و توسعه "ابراهیم اوزدوغان (Ibrahim Özdoğan) "به تاریخ ۷ جولای ۲۰۱۱"

۲۱ - "وجدی گونول (Vecdi Gönül) "وزیر دفاع ترکیه AKP در سال ۲۰۰۹ طی مصاحبه ای گفته بود که "بین درست است که ما از گذراندن لایحه اول مارس از مجلس ترکیه ناکام مانسیم لیکن شرایط لازم را برای نزدیک به ۴۸۰۰ سورتی عملیات ارتش آمریکا به عراق را از خاک ترکیه فراهم آوریم".

۲۲ - حکومت حزب عدالت و توسعه و شخص طائیب اردوغان همراه با جریان فتح الله گولن تنها جریانات سیاسی- مذهبی ترکیه هستند که تا کنون نه حمله آمریکا و انگلیس به عراق را محکوم و نه علیه آن موضع گیری و یا حتی یک انتقاد آبی کرده اند. درست برعکس اردوغان و عبدالله گول از جمله رهبرانی هستند که حتی بیشتر از خود امریکائی ها از عملیات آن کشور در عراق دفاع نموده اند. مثلاً آقای "عبدالله گول" طی مصاحبه ای با روزنامه وطن در رابطه با حمله به عراق در آن ایام اینگونه می گوید " بر عرض ۵۰ سال اخیر امریکائیاها برای حفظ و گسترش صلح جهانی بیشتر از هر کس دیگر

فرزندان خود را فدا کرده اند." اردوغان "مسلمان" نیز در ۳۱ مارس سال ۲۰۰۳ (یعنی ۱۲ روز بعد از حمله آمریکا و متحدانش به عراق) در مقاله ای که در روزنامه پر تیراژ "وال استریت جورنال (Wall street jurnal)" درج شد اینگونه می نویسد: "ما دعا گوی سربازان قهرمان زن و مرد ایالات متحده آمریکا که در عراق می جنگند هستیم. و آرزو داریم که آنان هر چه زودتر و با کمترین ضایعات (به خانه های خود) باز گردند." سیاستهای حکومت اسلامی AKP در رابطه با قتل عام مسلمانان عراق بیشتر یاد آور سیاستهای جمهوری اسلامی ایران در رابطه با جنگ قراباغ است که از یک طرف خود را مدافع جهان اسلام و خصوصاً شیعیان معرفی می کند و از طرف دیگر نه تنها بزرگترین حامی دانشکهای ارمنستان مسیحی است بلکه سالانه صدها میلیون دلار پول نفت ایران را مجاناً در اختیار دولت ارمنستان متجاوز قرار می دهد.

۲۳ - گنگره ناحیه "بیرام پاشا"، استانبول ۴ مارس سال ۲۰۰۴، برای دیدن ویدئوی اظهارات اردوغان در مورد تقبل مأموریت پروژه آمریکا به زبان خود او در You Tube به این آدرس مراجعه کنید: <http://www.youtube.com/watch?v=mdA7v16Xmag>

[24] - نگاه کنید به Kanal D: ۱۶ فوریه ۲۰۰۴. اردوغان در این مصاحبه اینگونه می گوید: "بمن خصوصاً به دیاربکیر بگونه ای دیگر می نگریم. یعنی می خواهیم دیاربکیر که الان نیز آمریکا در صدد پیاده کردن پروژه خاورمیانه بزرگ، یعنی پروژه گسترش یافته خاورمیانه بزرگ میباشد، یعنی در درون این پروژه دیاربکیر می تواند به یک ستاره و یک مرکز (پایتخت) تبدیل شود." برای دیدن ویدئو اظهارات اردوغان در رابطه با تبدیل "دیاربکیر" به "مرکز" در چهار چوب طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا به این آدرس در You Tube مراجعه کنید: <http://www.youtube.com/watch?v=60SfiOnFvQo>

[25] - مصاحبه اردوغان در بیرون از کاخ "دولما باچه سی (Dolmabahçesi)" استانبول ۲۲ اگوست ۲۰۰۹

۲۶ - نگاه کنید به نطق اردوغان در گردهم آئی گروه پارلمانی حزب عدالت و توسعه در مجلس ملی ترکیه ۱۳ ژانویه ۲۰۰۹ - برای دیدن ویدئو اظهارات اردوغان در Youtube به این آدرس مراجعه کنید: <http://www.youtube.com/watch?v=jOIgzcgmuxk>

[27] روزنامه رادیکال ۲۳ مارس ۲۰۰۳

۲۸ - مصاحبه عبدالله گول با "سdat سرت اوغلی" روزنامه Vatan 24 مارس ۲۰۰۳

۲۹ - جالب است که اولین موشک کروز آمریکا در حمله به عراق (در ماه مارس سال ۲۰۰۳) نه در بغداد و یا مراکز نظامی عراق بلکه در شهر غیر نظامی و ترکمن نشین "تل عفر" و در وسط استادیوم ورزشی شهر به زمین نشست!؟ هدف این موشک بارانها راندن جمعیت ترکمن از آن مناطق بود. این شهر حتی بعد اتمام جنگ نیز بارها از طرف نیروهای امریکائی و پیشمرگه های بارزانی- طالبانی مورد هجوم قرار گرفته که هزاران نفر کشته و زخمی بر جای گذارده است. همین برنامه به شیوه های دیگر در اربیل، سلمانیه و خصوصاً کرکوک بوسیله پیشمرگه های بارزانی- طالبانی علیه ترکمنها

اعمال شده و می شود. در کرکوک دستگیری و اذیت و آزار ترکمنها، ایجاد موانع برای آنها در خرید زمین، مجبور کردن آنها به فروش و یا انتقال زمینهای خود به گردهای مهاجر (که تعداد آنها به ۷۰۰ هزار نفر می رسد) و ... از جمله شگردهای شناخته شده است. این امر در سایه سپردن اداره امنیت کرکوک از طرف نیروهای امریکائی به پیشمرگه های بارزانی و طالبانی میسر شده است. همین امر در "تل عفر" با سعی در سپردن امنیت منطقه بدست نیروهای بارزانی- طالبانی دنبال شده است. لازم به توضیح است که منطقه "تل عفر" ما بین گردهای عراق و سوریه واقع شده و بدین جهت مانعی جدی در پیوستگی جغرافیائی آندو بحساب می آید. تلاش نیروهای امریکائی و دولت دست نشانده شمال عراق نیز متمرکز به از میان برداشتن همین مانع بوده است. در این مورد نگاه کنید به گزارش: Iraqi Turkmen Human Rights Research Foundation ۲۰۰۸  
[http://www.turkmen.nl/1A\\_soitm/Rep.34-K2208.htm](http://www.turkmen.nl/1A_soitm/Rep.34-K2208.htm)

[30] این امر تا بدآنجا پیش رفته است که حتی اطلاعات امنیتی دست چین شده لازم (خصوصاً از طریق هواپیماهای بدون سرنشین) ابتدا از طرف ارتش امریکا در اختیار حکومت ترکیه (MIT) گذاشته می شود و تازه پس از آن به ارتش ترکیه ابلاغ می شود. بدست گرفتن منشاء کسب و ارائه اطلاعات امنیتی ارتش از یک طرف گزینه ای کردن و ابتکار عملیات نظامی ارتش ترکیه را به بدست ارتش امریکا سپرده است و از سوی دیگر دست حکومت اردوغان را در فعالیتها و تبلیغات ضد ارتشی (خصوصاً در مورد عدم کارائی آن در عملیات نظامی علیه PKK) را باز گذاشته است. همین امر همچنین باعث شده است که تنها آن دستجاتی از گروههای مسلح کُرد (و یا هر نیروی متخاصم دیگر) مورد هدف و زیر ضربه قرار گیرند که به اتوریتیه و مطالبات امریکا تمکین نمی کنند در حالی که نیروهای دیگر (از جمله بخشهای اصلی PKK) بدون مانع و زیر چتر حمایتی آن به تحرکات خود ادامه میدهند.

۳۱ - تعدادی از نمایندگان فوق کُرد تبار نبوده و همچون بسیاری از کادرهای اصلی و فرماندهان نظامی حزب PKK ارمنی تبار می باشند.

۳۲ - در این رابطه حکومت اردوغان در سال ۲۰۱۰ حتی دست به تغییر قانون اساسی ترکیه زد و ماده های متعددی را با به فرارندم گذاشتن آنها اصلاح نمود. لیکن از آنجا که خواستهای قدرتهای خارجی و حکومت اسلامی AKP بسیار فراتر از تغییرات فوق بوده است اخیراً حکومت AKP طرح قانون اساسی جدیدی را نیز تدارک دیده و در صدد گذراندن آن از مجلسی است که خود تنها با کسر چند نماینده دارای اکثریت کافی برای گذراندن آن است. موارد کلیدی در قانون اساسی جدید تغییر مقوله لائیسزم در ترکیه، یونیتز بودن دولت ترکیه و به چالش کشیدن حق حاکمیت ملی ترکیه خواهد بود.

۳۳ - حکومت عدالت و توسعه ابتدا منکر مذاکرات پنهانی با مقامات حکومت دانشناکهای ارمنستان (که متهم به جنایات جنگی در قره باغ خصوصاً نسل کشی اهالی شهر "خوجالی" هستند) بود. اما هنگامی که وزارت امور خارجه آذربایجان مکالمات ضبط شده مذاکرات سرّی را به مقامات ترکیه تحویل دادند همه چیز زیر زبر شد! ارائه این مکالمات ضبط شده باعث افشای مذاکرات پنهانی حکومت اردوغان و استئفای "علی باباجان" وزیر امور خارجه ترکیه شد. لیکن اردوغان از بجا آوردن مطالبات امریکا و اروپا در گشایش مرزها به روی ارمنستان (همچون "لایحه اول مارس") اینبار نیز بجای در از پنجره وارد شد. در حالی که او بارها و بارها به مقامات آذربایجانی قول داده است که "تا موقعی که ارمنستان به اشغال

سرزمینهای آذربایجان ادامه داده و قعطنامه های سازمان ملل را بجا نیاورد از گشایش مرزهای ترکیه بروی ارمنستان خود داری خواهد کرد” لیکن با امضاء قرارداد تجاری با ایران در عمل مرزهای خود را با ارمنستان گشوده است بدین معنی که واردات و صادرات ترکیه و ارمنستان نه بیشتر از طریق مرز مشترک بلکه از طریق ایران (یعنی بزرگترین حامی ارمنستان بعد از روسیه) صورت می گیرد. همچنین در این رابطه حکومت AKP در جهت اجرای سفارشات و تأکیدات اروپا و امریکا دست به مرمت کلیساهایی زده است که ارامنه مدعی تعلق آنها بخود هستند. کلیسای “آق دامار” یکی از این کلیساها بود که به قیمت ۷ میلیون دلار بازسازی شد. در مراسم افتتاح این کلیسا حکومت اسلامی ترکیه حدود ۲۷۶ تن از دانشکهای ارمنی را از سراسر جهان بدانجا دعوت و در هتل‌های لوکس از آنها پذیرائی کرد.

۳۴ - افشاء نوارهای ضبط شده مکالمات اردوغان با “محمد علی طلعت” (رئیس جمهور سابق جمهوری ترک قبرس) به تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۰۹ نشاندهنده توطئه ای بود که توسط اردوغان علیه “رائف دنگتاش” و آینده قبرس در راستای مطالبات سیاسی امریکا و اروپا تدارک دیده شده بود. دو روزنامه نگار (دنیز یلدریم و افق آق کایا) که مکالمات تلفنی فوق را انتشار دادند هر دو به جرم “گودتا” و “عضویت در سازمان تروریستی” “ارگنه کن” درست در همان روز انتشار این مکالمات دستگیر و روانه زندان شدند. مقامات امنیتی ترکیه یک روز قبل از انتشار این نوارها با حمله به خانه ها و محل کار آنها و خانه گردی به روزنامه نگاران فوق اخطار کرده بودند که در صورت انتشار نوارهای فوق روانه زندان خواهد شد. در همین رابطه دفتر نخست وزیری نیز طی فاکسی به پلیس گوشزد کرده بود که “متن این نوارها جزو اسرار دولتی” است. لازم به توضیح است که “افق آق کایا” بعد از تحمل ۲۰ ماه زندان آزاد شد ولی “دنیز یلدریم” همچنان در زندان بسر می برد. هم اکنون جمع کل روزنامه نگارانی که بدستور حکومت اردوغان در زندان بسر می برند بالغ بر ۹۰ نفر شده است که ترکیه را به رکورد دار مقام اول در جهان، حتی قبل از چین و ایران، قرار داده است. نقطه جالب در این رابطه موضع اتحادیه اروپا و امریکا و بسیاری از تشکیلاتهای “حقوق بشر” و “طرفدار دموکراسی” وابسته به آنها است. در حالی که در دوران قبل از حکومت عدالت و توسعه کوچکترین تخلف ترکیه در حوزه های دموکراسی و حقوق بشر توسط همین کشورها و تشکیلاتهای وابسته تبدیل به پیراهن عثمان می شد هم اکنون در مقابل تجاوزات آشکار حکومت اردوغان به آزادیهای دموکراتیک نه تنها سکوت اختیار کرده اند بلکه در کتمان اخبار آن نیز کمال همکاری را با حکومت اسلامگرای اردوغان از خود نشان می دهند! همین سکوت و سیاست کتمان در نقض آزادیهای دموکراتیک نشاندهنده میزان پابندی این کشورها به آزادیهای دموکراتیک و حقوق بشر در کشورهای جهان خصوصاً خاورمیانه و ترکیه می باشد.

۳۵ - طرح کوفی عنان” با رأی منفی اهالی بخش یونانی قبرس عملاً شکست خورد. هم اکنون امریکا و اروپا در صد تعویض لباس “طرح کوفی عنان” و تحمیل دوباره آن به جمهوری ترک قبرس توسط تیم “بان کی مون” هستند. هدف پنهانی در این ماجرا، گذشته از تمایلات دینی و نژادپرستی، دست یابی به منابع نفت و گاز در مناطق جنوب قبرس (کف دریای مدیترانه) است که مقدار آن به میلیاردها بشکه نفت و تریلیونها متر مکعب گاز تخمین زده می شود. طرح گسترش مرزهای ساحلی یونان از ۶ میل به ۱۲ میل نیز درست بدین منظور برنامه ریزی شده است. از سوی دیگر روشن است که کنترل خاورمیانه بدون در دست داشتن قبرس (پایگاهی ثابت در مدیترانه برای ناوگان دریایی امریکا) مشکل و از سوی



دیگر برای امنیت استراتژیک اسرائیل نیز حائز اهمیت حیاتی است. بدین منظور وجود جمهوری ترک قبرس بعنوان مانعی استراتژیک در دریای مدیترانه و خاورمیانه برای قدرتهای بزرگ ارزیابی می شود.

۳۶ - اخیراً و بعد از ارائه گزارش سازمان ملل در مورد حوادث "ماوی مرمره" حکومت اردوغان تازه زبان به شکایت و گله از یونان و اسرائیل در مورد اکتشاف نفت و گاز در دریای مدیترانه و در نزدیکی مرزهای ساحلی ترکیه گشوده است در حالی که آغاز این اکتشافات به سال ۲۰۰۶ بر می گردد! حوادث "ماوی مرمره" مربوط به حمله کماندوهای اسرائیلی به یک کشتی کمک رسانی به نوار غزه بود که منجر به کشته شدن ۹ شهروند ترکیه گردید. این حمله باعث تیرگی روابط ترکیه و اسرائیل شد. لیکن اینکه در پشت این تیرگی روابط چه چیزی خوابیده بود برای بسیاری از ناظران سیاسی علامت سؤال بوده است چرا که روابط اسرائیل و ترکیه در زمان حکومت اسلامی اردوغان صمیمی ترین روابط دو کشور در تاریخ ترکیه بوده است. مهمترین قراردادهای نظامی و اقتصادی ترکیه با اسرائیل در زمان حکومت اسلامی AKP و توسط عبدالله گول به امضاء رسیده است. جالب است که از مجموع ۳۰۷ عضو " کمیته دوستی اسرائیل و ترکیه " (در مجلس ملی ترکیه ( ۲۴۷ نفر آنها از حزب اسلامی عدالت و توسعه (AKP) هستند ( در حالی که از کل این تعداد ۵۲ نفر از حزب حرکت ملی (MHP)، ۷ نماینده از حزب جمهوری خلق (GHP) و تنها یک نفر از حزب دموکراتیک چپ (DSP) می باشد)؟! عشق و علاقه غیر عادی اکثریت مطلق نماینده گان مجلس حزب "اسلامی" عدالت و توسعه (AKP) به دوستی با اسرائیل خود گویای بسیاری از مواضع سیاسی آنان و حقایق پشت پرده می باشد. در همین رابطه بدور از موضوع نیست اشاره شود که طانیب اردوغان تنها فرد غیر یهودی است که از جامعه یهودیان دنیا (به مرکزیت امریکا) مدال "شجاعت شاخ داود" را در سفر خود به امریکا در سال ۲۰۰۴ دریافت کرده است. این مدال از سال ۱۹۱۲ تنها به کسانی اعطاء می شود که به صهیونیسم جهانی خدمات شایانی کرده و در راه تحقق اهداف آن فعالیت‌های برجسته ای از خود نشان داده باشند. تا کنون هیچیک از رؤسای جمهور و یا مقامات امریکائی و اروپائی که در حمایت از اسرائیل و یا ایده صهیونیسم نقش برجسته ای داشته اند لایق گرفتن این مدال تشخیص داده نشده اند و طانیب اردوغان "مسلمان" تنها فرد غیر یهودی است که افتخار گرفتن این مدال را بدست آورده است! بی جهت نیست که Ehud Olmert دوازدهمین نخست وزیر اسرائیل در مورد اردوغان گفته بود که " اردوغان رهبری است که من او را تحسین میکنم " نگاه کنید به Hürriyet 8: مارس ۲۰۰۷

۳۷ - از هم اکنون به جرأت می توان گفت که حکومت ترکیه به نیابت از طرف امریکا و اروپا به مدافع اصلی تداوم حیات حکومت دست نشانده شمال عراق (بعد از خروج نیروهای امریکا از عراق در پایان سال ۲۰۱۱) تبدیل خواهد شد. چرا که تنش در روابط با لیبی و خصوصاً سوریه عملاً داد و ستد در مناطق جنوبی و مرزی را مختل و ضربات جبران ناپذیری به اقتصاد ترکیه خواهد زد. همین امر حکومت AKP را (حتی اگر مایل بدان نیز نباشد)، برای صادرات به کشورهای عربی، مجبور به ایجاد روابط حسنه با حکومت بارزانی- طالبانی در شمال عراق خواهد کرد.

۳۸ - شرکت "چالیک" قبل از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه یک شرکت تجاری بی اهمیت بود. اما در طی ۹ سال حکومت اردوغان به دومین هولدینگ بزرگ ترکیه تبدیل شده است. بعد از اشغال عراق این شرکت از اولین شرکتهای تجاری بود که در شمال عراق مستقر شد. یکی از طرحهای اجرایی این شرکت احاله ایجاد مقر حکومتی و کاخ ریاست ۹۰۰ میلیون

دلاری برای مسعود بارزانی بود که بخوبی نشاندهنده روابط تنگاتنگ تجاری خانواده اردوغان با مقامات شمال عراق خصوصاً بارزانی است. برای آگاهی از فعالیتهای دیگر این هولدینگ خصوصاً تسلط آن بر رسانه های گروهی ترکیه نگاه کنید به Turkish Banks Meke Huge Lons to Friend of Erdogan, Eurasia Daily Monitor vol. 5, 24 April 2008

[39] یکی از موارد عجیب در پروژه "ارگنه کن" و "بالبوز" در اکثریت بودن بیشتر دستگیر شده ها از واحدهای نیروی دریائی است! چرا که اگر واقعاً قصد کودتائی در کار می بود این دستگیریها می بایست بیشتر شامل فرماندهان نیروی زمینی و هوائی می شد. لیکن هم اکنون نزدیک به نصف کل فرماندهان ارشد نیروی دریائی ترکیه در بازداشت بسر برده و نسبت آنها به سایر نیروها چندین برابر بیشتر است. گفته می شود که این امر بی ارتباط با برنامه های امریکا در دریای مدیترانه و دریای سیاه نیست چرا که هم نقش منابع انرژی و امنیت اسرائیل و هم تلاشهای امریکا در راه یابی به دریای سیاه (مرزهای روسیه و قفقاز) موضوع تهدید نیروی دریائی ترکیه را (که خود کفاترین و مدرنترین بخش ارتش ترکیه است) بیش از پیش برجسته کرده است. از سوی دیگر در حالی که بیش از ۴۰۰ تن از متهمین به کودتای ادعائی حکومت (که جرم آنها بعد از گذشت ۴ سال هنوز ثابت نشده و تازه کودتائی نیز صورت نگرفته) سالهاست که در زندان بسر می برند لیکن صدها تن از متهمین اصلی کودتای امریکائی سال ۱۹۸۰ برهبری ژنرال "کنعان اورن" که جرم را مرتکب و بدان نیز اعتراف کرده اند و در عمل مسئول دستگیری و کشتن و یا شکنجه هزاران نفر می باشند آزادانه در ترکیه گشته و حتی رهبر کودتا (کنعان اورن) در سفرهای خود از هواپیمای خصوصی اردوغان استفاده می کند!؛ اخیراً بر اثر فشارهای زیاد حکومت اردوغان برای تطمیع افکار عمومی اقدام به بازجویی تنها ۲ نفر در رابطه با کودتای ۱۹۸۰ کرده است که پرونده هر دو نفر نیز بدون بازداشت آنها در حال ماسمت مالی شدن است.

۴۰ - توافق جرج بوش و طائب اردوغان در مورد آغاز پروژه ای به نام "ارگنه کن" علیه ارتش ترکیه را روزنامه نگار مورد اعتماد و همکلاسی دوران مدرسه ای اردوغان و عبدالله گول، "فهمی قورو (Fahmi Koru)"، که همراه اردوغان در سفر او به امریکا بود، برای نخستین بار پس از دیدار اردوغان با جرج بوش در سال ۲۰۰۷ افشاء کرد. در آن موقع هنوز هیچ کس نه از "ارگنه کن" چیزی شنیده بود و نه کسی در این رابطه دستگیر شده بود. "ارگنه کن" نام باصطلاح سازمان تروریستی است که گویا در سال ۲۰۰۳ قصد کودتا و بر اندازی حکومت حزب عدالت و توسعه را داشته است. اما در اصل این پروژه برای تصفیة عناصر ضد امریکائی در سطوح فرماندهی ارتش ترکیه، سازماندهی دوباره ارتش در جهت منافع امریکا و هم چنین سرکوب و ساکت کردن مخالفین حکومت اردوغان (خصوصاً روزنامه نگاران) تدارک دیده شده است. از آنجا که بعد از گذشت نزدیک به ۴ سال هیچگونه مدرکی دال بر طرح کودتا و یا وجود سازمانی بنام "ارگنه کن" بدست نیامده لیکن مخالفین حکومت همچنان دستگیر و متهمین بدون تعیین تکلیف در زندان بسر می برند. روشن است که قوه اجرائیه نقش اصلی را در این دستگیریها ایفا کرده و اردوغان نیز خود رسماً اظهار داشته است که "بمن داستان ارگنه کن هستم" و بدین وسیله دست داشتن خود در پیشبرد این پروژه را آشکارا بیان داشته است. اردوغان همچنین اعلام کرده است که "قوه قضائیه و قوه اجرائیه در مورد ارگنه کن در تفاهم با یکدیگر حرکت می کنند". این بدین معنی است که قوه قضائیه دیگر نه یک ارگان مستقل بلکه به عنوان زائده قوه اجرائی (حکومت) و در "تفاهم" و تأیید آن عمل می کند. بی

جهت نیست که رئیس تشکیلات یارقیشتای و کلای ترکیه “عمر فاروق آقا اوغلی” از نحوه پیشبرد پرونده ارگنه کن انتقاد و آنرا غیر قانونی اعلام کرده است. وی طی کنفرانس مطبوعاتی در این رابطه اینگونه می گوید:

”ترکیه یک کشور پلیسی نیست و نخواهد بود. پلیس در تمام حوزه ها خود را مداخل کرده و تأثیر گذار در تمامی پروسه هاست. بجای اینکه دادستان دستور و مسئول بازجوئی های فوق باشد این پلیس است که بدون داشتن همچون اختیاراتی به بازجوئیهای خود سرانه دست می زند. بی طرفی در بازجوئیها بصورت جدی صدمه خورده است. پلیس از نوشتن ادعانامه و بازجوئیها کنار نرفته و حکومت بدون توجه به اختیارات خود در این مورد طرف معامله شده و خود را بعنوان دادستان نمایش داده است. حکومت با وابسته کردن دستگاه پلیس به خود این بازجوئیها را راه اندازی کرده است. در مواردی که پای حکومت و جرائم آن به میان آمده خود حکومت به بازجوئی ها دست زده که نتیجه ای جز حکم برائت برای خود در پی نداشته است. ... حکومت عملاً خارج از چهارچوب قوانین و اختیارات خود همه چیز را تحت کنترل خود گرفته است. هیچیک از بازجوئیها و رسیده گیها در چهارچوب قانونی صورت نگرفته است که بصورت جدی عواقب خود را دارد. حکومت در بازجوئیها، خانه گردیها و استراق سمع تلفنها در چهارچوب غیر قانونی و حتی بر علیه مقامات قضائی و دادستانی عمل کرده و عملاً تمام قواعد قانونی را زیر پا گذارده است. با دستگیریهای خود سرانه و کشف سلاحها با هدف راهبردی جامعه و رهبری افکار عمومی شیوه های مختلفی را مورد استفاده قرار داده است. ... در حالی که اخبار و اطلاعات کاملاً سری در مطبوعات درج می شود متهمین بدون اثبات جرم آنان از تلویزیونها مورد هدف قرار می گیرند. خانه گردیها و و یا دستور آن قبل از اینکه حتی خانه گردی صورت بگیرد اخبار آن از طرف تلویزیونهای دولتی پخش می شود و اخبار سری ادعا شده قبل از اینکه مورد تحقیق و تفحص قرار گیرد در اختیار رسانه های گروهی قرار داده شده، حکم صادر و برای طرحهای حکومت زمینه چینی می شود. حکومت آنجا که دستگاه قضائی به نفع آن عمل می کند از آن استفاده می کند و اگر برخلاف منافع آن باشد بر علیه آن توطئه چینی می کند. بدین ترتیب حکومت از دستگاه قضائی بعنوان وسیله استفاده میکند.”

بی جهت نیست که اردوغان در رابطه با دستگاه قضائی در یک نطق طولانی اظهار داشته بود که ”من در کار دستگاه قضائی دخالت نمی کنم اما دستگاه قضائی نیز نباید در کار من دخالت کند.” و این در حالی است که یکی از وظائف قوه قضائیه کنترل عملکرد و رسیده گی به جرائم حکومت است و برعکس این حکومت است که حق دخالت در عملکرد دستگاه قضائی را ندارد. حکومت اردوغان با قاطعی کردن چند قاچاقچی و خلافکار به جمع بقیه زندانیان سیاسی (به سبک جمهوری اسلامی) سعی کرده است تا همه دستگیر شده ها را از یک قماش معرفی و به قول معروف همه را با یک چوب رانده و تر و خشک را با هم بسوزاند. هم اکنون بیش از ۴۰۰ تن از افسران و فرماندهان ارشد ارتش (خصوصاً تمامی فرماندهانی که در رد لایحه اول ماه مارس ۲۰۰۳ نقش داشتند) همراه با بیش از ۹۰ تن از روزنامه نگاران مخالف حکومت بجرم عضویت در “ارگنه کن” و یا تشکیلاتهای مشابه آن بدون محاکمه، اعلام و یا صدور حکم در زندان بسر می برند. بسیاری از زندانیان فوق، از آنجا که هیچگونه مدرکی علیه آنان نیافته اند، حتی نمی دانند به چه اتهامی دستگیر شده اند و همانند ایران سالها بدون اعلام و تفهیم جرم در زندان بسر می برند. نمونه این امر خبرنگار (و اخیراً نماینده مجلس ترکیه از حزب جمهوری خواه) “مصطفی بال بای” است که تا کنون ۱۳۳ بار خواستار آزادی خود شده ولی جواب رد گرفته است. وی به قاضی

پرونده خود اظهار داشته بود که ” بر پرونده من هیچ اتهامی علیه من ذکر نشده پس من به چه اتهامی دستگیر و زندانی شده ام؟“ قاضی پرونده در جواب گفته بود ” خودت می دانی!“

۴۱ - در این رابطه اخیراً حکومت اسلامی حزب عدالت و توسعه از طریق مقامات دون پایه حکومت زمزمه های انحلال ارتش یکم و ارتش دریای اژه (EG) را مطرح کرده است. لازم به توضیح است که این دو ارتش از جمله ارتشهایی هستند که مستقل از نیروهای ناتو عمل کرده و تحت فرماندهی آن قرار ندارند. ارتش اژه (EG) برای رضایت خاطر اروپا و امریکا و ”نرمش“ در برابر مطالبات یونان مطرح و انحلال ارتش یکم برای تضعیف کل ارتش می باشد. بلحاظ تاریخی ارتش یکم یکی از مهرهای اصلی و ستون فقرات ارتش ترکیه را تشکیل داده و طبق یک سنت دیرینه چند قرنی باقی مانده از امپراطوری عثمانی تمامی فرماندهان کل ارتش ترکیه ابتدا بعد از رسیدن به فرماندهی ارتش یکم (مستقر در استانبول) به فرماندهی کل ارتش ترکیه منصوب می شوند.

۴۲ - نگاه کنید به مصاحبه نیکولاس برنز در جمع خبرنگاران، آنکارا، کانال CNN Turk اکتبر سال ۲۰۰۷